

بررسی قصد مهاجرت از روستا و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: روستاهای بخش کلات شهرستان آبدانان، استان ایلام)

آسیه مهدی پور^۱، احمد مهدی پور^۲ و علی قاسمی اردهایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱

چکیده:

بروز حاشیه‌نشینی، الگوی نابرابر کار، شهرگرایی و کاهش تولید روستایی ازجمله پیامدهای مهاجرت از روستا محسوب می‌شود. بررسی میزان قصد مهاجرت و عوامل تأثیرگذار بر آن در بین روستاییان بخش کلات شهرستان آبدانان استان ایلام موضوع این مقاله است. با به‌کارگیری روش تحقیق پیمایش و استفاده از ابزار پرسشنامه، داده‌های لازم از ۳۴۱ فرد ۱۵ الی ۴۵ ساله روستاهای آب انار، هیلوه، لرغه و آب‌طاف سفلی با نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌دست‌آمده است. با توجه به آزمون فرضیه‌ها، معناداری رابطه آماری بین متغیرهای محل سکونت، وضع شغلی، نوع شغل، مالکیت زمین کشاورزی، همبستگی اجتماعی، احساس تعلق به مکان، احساس امنیت و رضایت از درآمد با قصد مهاجرت از روستا تأیید شد. نتایج تحلیل‌های چند متغیره نشان می‌دهد متغیرهای واردشده به معادله رگرسیون چند متغیره ۸۵ درصد از تغییرات میزان قصد مهاجرت را تبیین کرده‌اند. در میان متغیرهای مستقل، متغیرهای احساس تعلق به مکان و میزان رضایت از درآمد مهم‌ترین مقوله‌های اثرگذار بر قصد مهاجرت روستاییان است. این متغیرها علاوه بر اثرگذاری مستقیم بر قصد مهاجرت، از طریق اثر پذیرفتن از سایر مقوله‌های اجتماعی و اقتصادی، اثرات غیرمستقیم این متغیرهای مستقل را بر میزان قصد مهاجرت از روستا منتقل می‌کنند.

واژگان کلیدی: تعلق به مکان، رضایت از درآمد، قصد مهاجرت از روستا، همبستگی اجتماعی، بخش کلات آبدانان.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول).

assmahdipour@scu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی. ahmdmdipoor@yahoo.com

۳. استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور. ghasemi33@yahoo.com

Investigating the Intention of Migration from the Village and the Factors Affecting it

(Case of Study: Villages of Kalat Section of Abadan City, Ilam Province)

Assiyeh Mahdipour*¹, Ahmad Mahdipour² & Ali ghasemi ardahaee³

Received: 2020-02-26

Accepted: 2020-04-20

Abstract

Marginalization, unequal work patterns, urbanization, and declining rural production are among the consequences of rural migration. The subject of this article is the study of the migration intention and the factors influencing it among the villagers of Kalat section of Abadan city of Ilam province. Using the survey method and using the questionnaire tools, the necessary data were obtained from 341 individuals aged 15 to 45 years in the villages of Ab Anar, Halivah, Lorghah and Abtaf Sofla by sampling multi-stage clusters. According to the hypothesis test, the significance of statistical relationship between habitat variables, job status, type of job, agricultural land ownership, social solidarity, sense of belonging to place, sense of security and income satisfaction with rural migration intent was confirmed. The results of multivariate analysis show that the variables entered into the multivariate regression equation explain 85% of the changes in the rate of migration intention. Among the independent variables, the variables of feeling of belonging to the place and the level of satisfaction with income are the most important categories affecting the intention of rural migration. These variables, in addition to directly affecting the intention to migrate, by influencing other social and economic categories, transmit the indirect effects of these independent variables on the rate of migration intention from the village.

Keywords: Intention to Migrate from the Village, Belonging to the Place, Social Solidarity, Income Satisfaction, Kalat Abadan Section.

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Economics and Social Sciences shahid chamran university of Ahvaz. assmahdipour@scu.ac.ir

2. M.A. in Demography, Allameh Tabataba'i University. ahmdmdipoor@yahoo.com

3. Assistant Professor of Demography, Department of Social Sciences, Payame Noor University. ghasemi33@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

در قصد مهاجرت توجه به مفهوم قصد مهم است، چراکه قصد بعد از نیت و تعیین هدف موردنظر قرار می‌گیرد. در واقع قصد اراده انجام فعل است. شخص تصمیم‌گیرنده یا قصد مهاجرت در محل فعلی را دارد یا قصد باهدف ترک مکان فعلی و سکونت در منطقه‌ای دیگر را موردنظر دارد. «قصد مهاجرت به معنای تصمیم‌گیری باهدف سکونت در مکان فعلی و یا انتخاب منطقه‌ای دیگر برای سکنا گزیدن است. قصد مهاجرت در کنار سطح توسعه‌یافتگی جوامع مبدأ و مقصد، بسیار گزینشی بوده و تحت تأثیر تصمیمات و ویژگی‌های فردی است» (اته^۱ و دیگران، ۲۰۱۶: ۷). انگیزه مهاجرت از روستا به دلایل مختلفی مانند کمبود امکانات رفاهی، نبود حمایت از تولیدات کشاورزی، کمبود منابع آبی، نابرابری در سطح دستمزدهای شهر و روستا و دیگر موارد مشابه می‌تواند در حال افزایش باشد. «دلایل عملی قصد مهاجرت این است که افراد و مهاجران، منطقه مقصد (مناطق انتخابی) را نسبت به منطقه مبدأ سازنده‌تر می‌انگارند و بنابراین انتظار می‌رود که افراد به مدت طولانی و حتی دائمی در مناطق انتخابی سکونت داشته باشند» (همان: ۷). در این مقاله سعی می‌شود مسئله قصد مهاجرت به بیرون ساکنان ۱۵ الی ۴۵ ساله چهار روستای آب انار، هلیوم، لرغه و آب‌طاف سفلی بخش کلات از شهرستان آبدانان واقع در استان ایلام موردبررسی قرار گیرد.

استان ایلام یکی از استان‌های کم برخوردار کشور محسوب شده و از نظر سطح توسعه روستایی، بسیاری از مناطق روستایی این استان در حد پایینی از سطح توسعه قرار دارند. بر اساس داده‌های سرشماری‌های ۱۳۵۵ الی ۱۳۹۰، همواره مهاجران خارج شده از استان ایلام بیشتر از مهاجران وارد شده بوده است. به طوری که طی دوره‌های سرشماری ۱۳۵۵-۶۵، ۱۳۶۵-۷۵، ۱۳۷۵-۸۵ و ۱۳۸۵-۹۰ به ترتیب با خالص‌های مهاجرت طی دوره ۴۱۹۷-، ۶۹۶۲-، ۱۱۱۳۶- و ۲۶۵۵- (محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲: ۳۲) جزو استان‌هایی است که در هر چهار دوره از خالص مهاجرت منفی برخوردار بوده است. با توجه به اینکه در بین کل استان‌های کشور، ایلام کم‌جمعیت‌ترین استان محسوب می‌شود، نتایج نشان می‌دهد آمار بالای مهاجر فرستی در سطح روستایی استان بسیار نگران‌کننده است.

در این بین، تحرکات جمعیتی در سطح روستاهای شهرستان آبدانان چشمگیرتر است. جمعیت شهرستان آبدانان در سرشماری ۱۳۹۰ حدود ۴۷ هزار نفر است که خالص مهاجرت آن ۱۰۱۴- نفر است. شهرستان آبدانان از لحاظ روستا گریزی رقم بالایی را به خود اختصاص داده و مورد توجه خاص قرار گرفته است. این گونه حرکات جمعیتی در این شهرستان مشکلات بسیاری به همراه داشته و مهم‌ترین آن کاهش جمعیت روستاها و در بعضی مناطق حتی خالی از سکنه شدن روستا را موجب شده

است. با ادامه این روند، در بلندمدت شاهد مشکلات بیشتری در رابطه با کاهش جمعیت روستایی و پیامدهای آن در این منطقه خواهیم بود.

بنابراین، «متروک شدن روستاها به تدریج با پدیده مهاجرت شکل می‌گیرد و عمده‌ترین پیامدهای تغییر محل سکونت از روستا به شهر نیز عبارت‌اند از: کاهش جمعیت و تغییر ترکیب جمعیت روستایی و تسریع رشد جمعیت شهری (رستمعلی زاده و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲: ۵۰۷). در این مقاله تلاش می‌شود با بررسی این نوع رفتارها به شناخت تعیین‌کننده‌ها و معیارهای رفتاری در افراد مورد مطالعه که قصد مهاجرت دارند دست یافت و با استفاده از نظریه‌های محتمل به تبیین این نوع از انگیزه رفتاری پرداخت. پرسش‌هایی که مقاله حاضر در پی یافتن پاسخ آن‌ها است عبارت‌اند از: قصد مهاجرت در بین جوانان روستایی بخش کلات در چه وضعیتی است؟ کدام عوامل و با چه فرایندی در قصد مهاجرت جوانان روستایی تأثیرگذارند؟ آیا تفاوت معناداری در میزان قصد مهاجرت از روستا برحسب مقوله‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی وجود دارد؟

مبانی نظری

باتوجه به چندوجهی بودن قصد مهاجرت، به نظریه‌های مختلف در حوزه‌های رفتاری، مکانی و مهاجرت باهدف تشریح موضوع اشاره می‌شود. بیشترین تأکید بر نظریه‌های مدل توسعه، جاذبه و دافعه، محرومیت نسبی و همبستگی بوده و از مقوله‌های این نظریه‌های مهم مهاجرتی به‌منظور تبیین و تحلیل مسئله مهاجرتی به وجود آمده در مناطق روستایی شهرستان آبدانان استفاده می‌شود.

نظریه‌های مدل توسعه

بر پایه نظریه اقتصاد نئوکلاسیک مهاجرت، مردم برای به حداکثر رساندن درآمدشان از مناطق با دستمزد پایین به مناطق با دستمزد بالا (یا از مناطق فقیر به مناطق ثروتمند) مهاجرت می‌کنند. تفاوت دستمزد بین مناطق فرستنده و دریافت‌کننده مهاجر عامل مهم در شروع مهاجرت است که مهاجرت استراتژی فردی برای به حداکثر رساندن سودمندی است. این نظریه در چارچوب اصل اقتصادی «عرضه و تقاضا»، جریان‌های مهاجرت را تبیین می‌کند. کادوالدر^۱ (۱۹۹۲) و جابز^۲ (۲۰۰۰) با توجه به این رویکرد نظری معتقدند جابه‌جایی مردم به‌عنوان نتیجه‌ای از وزن گزینه‌های اقتصادی بین مکان‌هاست. افراد مکانی را انتخاب می‌کنند که شرایط زیستشان را بهبود بخشد. از صاحب‌نظران این حوزه می‌توان به ساستاد و تودارو اشاره کرد.

1 Cadwallader

2 Jobes

مدل توسعه لوئیس - فی - رانیس، اولین مدل اقتصادی شناخته شده است که توسط لوئیس در سال ۱۹۵۴ شکل گرفت. این مدل یک مدل اقتصادی ساده دویخی انتقال نیروی کار میان بخش ضعیف روستایی به بخش صنعتی مدرن است. مدل لوئیس در سال ۱۹۶۱ توسط رانیس و فی بسط یافت. در این مدل اقتصاد از دو بخش تشکیل می شود: الف) بخش سنتی، که با نیروی کار مازاد دارای بهره‌وری پایین یا بدون بهره‌وری مشخص می شود. ب) بخش صنعتی شهری نوین با بهره‌وری بالا که نیروی کار به تدریج از بخش معیشتی به آن انتقال می یابد (تو دارو، ۱۳۶۷: ۲۶). در این مدل مهاجرت به عنوان مکانیزم ایجاد توازن به وسیله انتقال نیروی کار اضافی به مناطق متقاضی نیروی کار است، که به این ترتیب نهایتاً موجب تساوی دستمزد در دو بخش می شود (لوئیس، ۱۳۵۴: ۱۳۵-۱۳۸).

نظریه جاذبه دافعه

اورت لی در قالب نظریه جاذبه و دافعه عواملی که در تصمیم به انجام مهاجرت و فرایند آن وارد می شوند را تحت چهار عنوان خلاصه کرده است: ۱) عواملی که با حوزه مبدأ ارتباط دارد، ۲) عواملی که با حوزه مقصد ارتباط دارد، ۳) موانع بازدارنده و ۴) عوامل شخصی. در هر حوزه عوامل متعددی در جذب افراد در آن حوزه مؤثر بوده (+) و همچنین عوامل دیگری موجب دفع افراد از آن حوزه می شوند (-) و عوامل دیگری هم برای افراد ضرورتاً بی تفاوت (O) است. یک نظام آموزشی خوب ممکن است جزء عوامل مثبت برای کودکان و نوجوانان و عاملی منفی برای شهروندانی که فاقد بچه هستند، باشد، چون به خاطر تحصیل مالیات زیادی اخذ می شود. درحالی که برای مرد مجرد فاقد دارائی مشمول مالیات، در این حالت بی تفاوت و خنثی محسوب می شود (لهسائی زاده، ۱۳۸۶: ۴۳).



عوامل مبدأ و مقصد

شکل ۱.

و بازدارنده‌ها در نظریه جاذبه و دافعه مهاجرت

گرچه عوامل مثبت و منفی مبدأ و مقصد به تبیین کلی مهاجرت داخلی و بین‌المللی کمک می کند، ولی کافی نیست. از این رو، لی مفهوم «موانع دخالت کننده» بین تمام نقاط مبدأ و مقصد را در نظر می گیرد. برخی از این موانع مداخله کننده ممکن است اثرات جزئی داشته باشد (مثل فاصله، هزینه حمل و نقل و غیره)، درحالی که موانع دیگر ممکن است قابل رفع نباشد (مثل قوانین محدودکننده

مهاجرت، سهمیه‌بندی بنابر ملیت و قومیت یا کنترل فیزیکی نسبت به جابه‌جایی جمعیت) (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۳-۲۲).

نظریه عمل بخردانه

تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده و یا تئوری عمل بخردانه اولین بار توسط «مارتین فیشباین» و «آیساک آیزن» (۱۹۷۵) به کار گرفته شد. این تئوری یک نظریه روانشناسی اجتماعی است که به تبیین همه رفتارهای انسانی تحت کنترل می‌پردازد. این تئوری معتقد است که انسان‌ها بر طبق ترجیحشان رفتار می‌کنند. «در تئوری فیش باین و آیزن رفتار یک فرد متأثر از قصد و نیت او است، گرایش به سوی آن رفتار و هنجارهای ذهنی دو عامل مهمی است که در قصد و نیت فرد تأثیر می‌گذارند. متغیر اول یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد یک رفتار یا یک پدیده را از نظر خودش ارزیابی می‌کند و متغیر دوم منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای ارزیابی فعالیت، احساس و ادراک می‌کند» (صبوری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

نظریه همبستگی اجتماعی

مفهوم «همبستگی» در لغت به معنای یکپارچگی و احساس مسئولیت متقابل و همچنین پیوندهای انسانی و برادری است. این واژه نخستین بار توسط امیل دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی (۱۸۹۳) مطرح شد. دورکیم وجدان جمعی را مجموعه اعتقادات و احساسات مشترک در میان افراد یک جامعه می‌داند که دستگاه معینی را تشکیل داده و حیات خاص خود را دارد و می‌توان آن را در حکم روح نوعی جامعه با همه خواص و شرایط وجودی‌اش و نوع توسعه‌اش دانست (دورکیم، ۱۳۸۱: ۷۷ - ۷۸). باتوجه به این نظریه، زمانی که فرد همبستگی اجتماعی خود با دیگر افراد و منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کند را از دست بدهد، تصمیم به یک واکنش می‌گیرد. از نظر دورکیم این واکنش در حالت خیلی شدید ممکن است به صورت خودکشی بروز کند. با این توضیح می‌توان بیان کرد، در شرایطی که همبستگی اجتماعی و احساس یکپارچگی در بین افراد کم شود، فرد برای رهایی از این شرایط به ترک منطقه و محل زندگی خویش اقدام می‌کند و این یک واکنش ملایم‌تری نسبت به خودکشی است. بنابراین، همبستگی اجتماعی عامل مهمی در ماندگاری فرد در محل زندگی و احساس یکپارچگی با اهالی منطقه‌ای است که در تعامل با آنها است.

نظریه تولیدگرایی - محیط‌گرایی

گیبیر^۱ (۱۹۹۶) استدلال می‌کند که زندگی مردم را می‌توان بر اساس دو فاز ضروری که هر کدام مربوط به یک دوران جداگانه است، مشخص کرد. در مرحله تولیدگرایی^۲، توجه به مواردی همچون

1. Geyer
2. Productionism

آموزش و پرورش، فرصت‌های شغلی و درآمد بالاتر، جایگزین توجه به استانداردهای زندگی می‌شود. هنگامی که افراد موقعیت خود در بازار کار و دستیابی به درآمد مورد انتظار را بهبود بخشیدند، به وضعیت مسکن که در فاز محیط‌گرایی قرار می‌گیرد، توجه می‌کنند. پس، وی ارتباط بین تولیدگرایی و محیط‌گرایی را توسعه می‌بخشد. برخلاف تحلیل گبیر، موسلی^۱ (۱۹۸۴) بر مراحل مختلف زندگی توجه نمی‌کند، بلکه بیشتر بر اهمیت شغل، فرصت‌های اشتغال و توزیع فضایی آن توجه دارد. از دیدگاه وی تبیین جریان‌های مهاجرت به دو دسته مردم‌محور^۲ و شغل‌محور^۳ تقسیم‌بندی می‌شود. افراد بازنشسته، بیکار و کسانی که هیچ‌گونه مشارکتی در نیروی کار ندارند، اجباری برای محدود شدن و ماندن در محیط کار ندارند. این گروه از افراد می‌توانند فارغ از اصل سکونت بر اساس جغرافیای فرصت‌های شغلی، دست به انتخاب محل اقامت بزنند (قاسمی اردهایی و نوبخت، ۱۳۹۵: ۴۵).

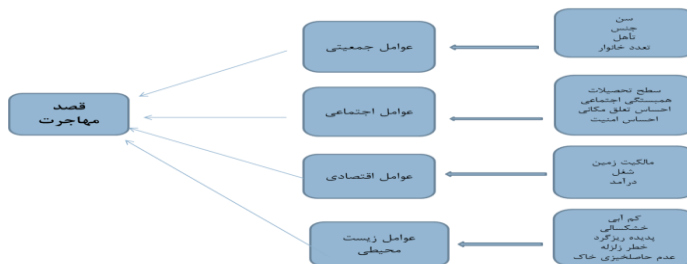
نظریه محرومیت نسبی

مطابق نظریه محرومیت نسبی^۴، گرایش طبیعی ساکنان مناطق روستایی برای ترک محل سکونت خود تابعی از انتظارات و ارزش‌های ذهنی آنان است. مطابق با تئوری محرومیت نسبی، افزایش وضعیت اقتصادی خانوار در مقایسه با اجتماع مرجع^۵ باعث خوشنودی خانواده‌ها می‌شود. اشخاص ممکن است در نتیجه مقایسه موقعیت خود نسبت به گروه مرجع احساس محرومیت کرده و دست به مهاجرت بزنند (استارک و بلوم^۶، ۱۹۸۵: ۱۷۳-۱۷۸). طبق نتایج مطالعات استارک و همکارانشان در نپال (بانداری^۷، ۲۰۰۴: ۴۹۹-۴۷۵)، بین محرومیت و مهاجرت رابطه مستقیم وجود دارد و اشخاصی که احساس محرومیت بیشتری دارند نسبت به هم‌تاهای خود بیشتر به مهاجرت تمایل دارند (قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

جمع‌بندی نظریه‌ها و ارائه مدل تحقیق

در بررسی ضمن تأکید بر چندوجهی بودن دلایل قصد مهاجرت از روستاهای بخش کلات آبدانان مدل نظری تحقیق با استفاده از فرضیه‌ها و داده‌ها و مشاهده‌های میدانی طراحی شده است. این مدل دلایل قصد مهاجرت را در طیفی از علل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و جمعیتی قرار داده است.

-
1. Moseley
 2. People-led
 3. Job-led
 4. Relative Deprivation Theory
 5. Reference Community
 - 6 Stark and Bloom
 - 7 Bandari



مدل ۱. مدل تحلیلی تحقیق: عوامل جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر در قصد مهاجرت (منبع: نویسندگان)

پیشینه تحقیق

در تحقیقی رستمعلی زاده و قاسمی اردهایی (۱۳۹۲) به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که چه عواملی باعث شده است جوانان روستایی شهرستان اهر تصمیمی به مهاجرت و یا تغییر محل سکونت خویش نداشته باشند. نتایج نشان داد متغیرهای وضعیت اشتغال، تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد ماهیانه‌ی خانوار، طبقه‌ی اقتصادی خانواده و محل اشتغال پاسخگویان در ماندگاری جوانان در روستا نقش اساسی داشته است.

شهبازی و قاسمی (۱۳۸۹) در تحقیقی به اندازه‌گیری گرایش به مهاجرت در بین روستاییان بخش مرکزی شهرستان ماهنشان و عوامل اثرگذار بر آن پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که متغیرهای اجتماعی (همبستگی اجتماعی)، اقتصادی، دافعه‌های مبدأ و جاذبه‌های مقصد، متغیرهای فرهنگی و فردی در تحلیل رگرسیون بیشترین سهم را در تبیین واریانس میزان گرایش به مهاجرت دارند.

شمس‌الدینی و گرجیان (۱۳۸۹) به بررسی عوامل مختلف تأثیرگذار بر مهاجرت روستاییان در دهستان رستم دو پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و طبیعی در مهاجرت روستاییان مؤثر بوده‌اند. نتایج آماری تحقیق نشان می‌دهد ۸۰ درصد از مهاجرین مورد مطالعه عوامل اقتصادی از جمله جستجوی شغل و دستیابی به درآمد بیشتر را مهم‌ترین دلیل مهاجرت خود ذکر کرده‌اند. همچنین نزدیک به ۴۰ درصد از روستاییان مهاجر به شهر محلی مصیری و شهرهای استان کهگیلویه و بویر احمد به‌ویژه یاسوج که دارای پیوندهای قومی- فرهنگی مستحکمی با روستاهای مبدأ مهاجرت است، نقل مکان کرده‌اند.

احمدی (۱۳۸۳) به مطالعه گرایش به مهاجرت در شهرستان شیروان و چرداول پرداخته است. نتایج نشان داد از عوامل فردی تأثیرگذار در گرایش به مهاجرت، میزان وابستگی به اقوام و خویشاوندان مهاجرت کرده و ویژگی‌های روان‌شناختی افراد است. میزان جاذبه شهر از نگاه فرد، میزان دافعه روستا از نگاه فرد و فشارهای بوم‌شناختی از جمله عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت شناخته شده‌اند.

به‌طورکلی، در این مطالعه وابستگی به خویشاوندان مؤثرترین عامل در گرایش افراد به مهاجرت بوده است.

طاهرخانی (۱۳۸۱) به بررسی عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت و تغییر محل سکونت جوانان در قزوین پرداخته است. نتایج تجزیه و تحلیل تجربی نشان‌دهنده این است که گرچه عوامل اقتصادی در تمایل به مهاجرت جوانان نقش مهمی داشته، اما عوامل غیراقتصادی نیز تأثیرات مستقیمی بر رفتار آنان دارد. ازجمله این عوامل تسهیلات محلی، رضایت از محل سکونت، رفاه اجتماعی، استانداردهای زندگی، نیاز به پیشرفت، زندگی بهتر و اهداف ارزشی است.

استینر^۱ (۲۰۱۹) به فرایند تصمیم‌گیری در مورد مهاجرت مجدد مهاجران در یک کشور با درآمد بالا پرداخته است. در این بررسی که اهداف و برنامه‌های مهاجرت آلمانی‌های مقیم سوئیس را در کانون مطالعه خود قرار داده، نتایج نشان می‌دهد که ملاحظات بازار کار بر تعهدات خانواده حاکم است. همچنین درحالی‌که اهداف مهاجرت با تمایز فرصت درک شده و تفکر آرزو بین محل سکونت و مقصد توضیح داده می‌شود، برنامه‌ریزی مهاجرت مبتنی بر فرصت‌های واقعی است.

تولسما و لوبرس (۲۰۱۴) به مقایسه تأثیر روابط اجتماعی و اقتصادی بر قصد مهاجرت پرداخته و همچنین قصد و رفتار مهاجرتی در بین مهاجران هلندی را موردبررسی قرار داده است. نتایج نشان داده است که هر دو روابط اقتصادی و اجتماعی به یک اندازه مهم بوده است.

اته و دیگران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای به بررسی قصد مهاجرت در بین کارگران مهاجر در آلمان پرداخته‌اند. آنچه در این تحقیق به‌صورت برجسته به آن اشاره شده، این است که علاوه بر عوامل اقتصادی که در تعیین قصد و نیت افراد مؤثرند، عوامل اجتماعی، فرهنگی و نهادی بر قصد و نیت سکونت دائمی مهاجران تأثیر فراوانی دارند.

تانگ و فنگ^۲ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای که از نتایج یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۰ از مهاجران روستایی در استان جیانگ سو^۳ به‌دست‌آمده، به بررسی عوامل مؤثر بر قصد مهاجرت در بین دو نسل جوان و افراد مسن پرداخته است. عوامل موردبررسی در این مقاله شامل عوامل جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی است. نتایج این تحقیق که بر اساس مدل رگرسیون لجستیک به‌دست‌آمده، بازگوکننده تفاوت قصد مهاجرت در بین دو نسل بوده که در نتیجه تفاوت در رفتار و نگرش افراد همچنین گذار اجتماعی و اقتصادی اخیر در استان جیانگ سو بوده است.

1 Steiner

2 Jianxi Feng

3 Jiangsu

فرضیه‌های تحقیق

- قصد مهاجرت ساکنان چهار روستای آب انار، هلیوم، لرغه و آب‌طاف سفلی از لحاظ آماری باهم متفاوت است.
- بین احساس امنیت^۱ در روستا و قصد مهاجرت رابطه معکوس وجود دارد، به طوری که با پائین رفتن احساس امنیت، میزان قصد مهاجرت از روستا افزایش می‌یابد.
- بین همبستگی اجتماعی و قصد مهاجرت رابطه معکوس وجود دارد، به طوری که با کاهش همبستگی اجتماعی در روستا قصد مهاجرت از آن روستا افزایش می‌یابد.
- بین احساس تعلق به روستای محل سکونت و قصد مهاجرت رابطه معکوس وجود دارد، به طوری که هر چه احساس تعلق کم باشد بر میزان قصد مهاجرت روستاییان افزایش می‌شود.
- هرچقدر میزان رضایت از درآمد در بخش‌های مختلف کشاورزی بیشتر باشد، به همان اندازه میزان قصد مهاجرت از روستا کاهش می‌یابد.
- هرچقدر جنبه‌های منفی عوامل زیست‌محیطی (خشک‌سالی، خطر زلزله، کم‌آبی، عدم حاصل‌خیزی خاک، وجود پدیده ریزگرد) در روستا بیشتر باشد، قصد مهاجرت از روستا افزایش می‌یابد.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده روش پیمایش بوده و با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه و تکنیک مصاحبه میدانی، گردآوری اطلاعات انجام شده است. بخش کلات شامل ۲۴ روستا است و تعداد ۲ روستا از این بخش در مهروموم‌های اخیر به دلیل مهاجرت خالی از سکنه شده است. بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، این بخش در مجموع جمعیت بیش از ۳۰۰۰ نفر را دارا است که به لحاظ ساختار جمعیتی اکثر آنان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال قرار دارند.

جدول ۱. تعداد جمعیت، تعداد خانوار و نرخ رشد جمعیت روستاهای مورد مطالعه در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

نرخ رشد جمعیت	۱۳۹۰			۱۳۸۵			نام روستا
	خانوار		جمعیت	خانوار		جمعیت	
	تعداد	تعداد		تعداد	تعداد		
۴,۲	۴,۵	۲۹۳	۱۳۰۹	۵,۹	۱۷۹	۱۰۶۴	آب انار
-۳,۸	۳,۹	۷۵	۲۹۳	۴,۹	۷۲	۳۵۵	هلیوم
۰,۲	۴,۴	۴۲	۱۸۳	۴,۶	۳۹	۱۸۱	لرغه
-۳,۷	۴,۴	۲۲	۹۷	۵,۱	۲۳	۱۱۷	ابطاف سفلی

با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه جامعه آماری به دست آمده است. با جای‌گذاری اعداد در فرمول کوکران ۳۴۱ نفر به عنوان حجم نمونه تحقیق در نظر گرفته شده است. متغیر وابسته (قصد مهاجرت) و سایر متغیرهای مهم تحقیق در قالب جدول شماره (۲) سنجیده شده‌اند.

۱ امنیت به معنای ایمن شدن، آرامش و آسودگی است. احساس امنیت نیز عبارت از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت اهالی نسبت به حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدات) در شرایط فعلی و آتی است (حاجیانی، ۱۳۸۴: ۲۸).

جدول ۲. مقادیر آلفای کرونیخ از پیش‌آزمون پرسشنامه

متغیرها	گویه‌ها	مقدار آلفا با حذف گویه	سطح آلفا
میزان قصد مهاجرت	۱- از زندگی خود در این روستا راضی هستم.	۰.۹۵۲	۰.۹۵۲
	۲- قصد دارم جایی غیر از این روستا زندگی کنم.	۰.۹۵۱	
	۳- به آینده‌ای روشن برای زندگی در روستا امیدوارم.	۰.۹۵۷	
	۴- من تا پایان عمرم در روستای خودم زندگی خواهم کرد.	۰.۹۵۷	
	۵- سکونت در جایی غیر از این روستا برای من بهتر است.	۰.۹۶۰	
میزان همبستگی اجتماعی	۱- ارتباط من با خانواده بسیار صمیمانه است.	۰.۸۸۱	۰.۸۹۷
	۲- ارتباط متقابل من با همسایگان رضایت‌بخش است.	۰.۸۳۴	
	۳- از ارتباط اجتماعی و مشارکت جمعی در روستا احساس رضایت دارم.	۰.۸۷۶	
	۴- با افراد محله خودم روابط گرم و صمیمی دارم.	۰.۸۷۵	
میزان احساس تعلق مکانی	۱- من به‌واسطه شغل و درآمد به روستا و اهالی آن وابسته هستم.	۰.۹۲۹	۰.۹۴۷
	۲- من خاطرات زیادی با هم‌روستاییان دارم و نمی‌توانم از این مکان و اهالی آن دل بکنم.	۰.۹۲۸	
	۳- به دلیل خاص بودن موقعیت مکانی این روستا من نمی‌توانم این روستا را ترک کنم.	۰.۹۳۸	
	۴- به محل زندگی خود احساس دلبستگی و تعلق دارم.	۰.۹۴۵	
	۵- زندگی در این روستا را به زندگی در هر جایی دیگری ترجیح می‌دهم.	۰.۹۳۲	
میزان احساس امنیت	۱- این روستا محیط امن و آرامی برای زندگی کردن است.	۰.۸۵۵	۰.۸۹۹
	۲- با تغییر محل سکونت خود احساس امنیت بهتری دارم.	۰.۸۶۹	
	۳- در این روستا خطر زلزله وجود دارد و محل امنی برای زندگی نیست.	۰.۸۷۸	
	۴- نگران از دست دادن شغل خود هستم.	۰.۸۹۱	
	۵- درگیری‌ها و نزاع بین مردم باعث کاهش امنیت در روستا شده است.	۰.۸۹۱	
میزان رضایت از درآمد	۱- از درآمد شغلی خود راضی هستم.	۰.۸۰۷	۰.۸۵۴
	۲- به دلیل پایین بودن درآمد در این روستا من قصد ترک این روستا را دارم.	۰.۸۱۳	
	۳- فکر می‌کنم در ازای کاری که انجام می‌دهم درآمد منصفانه‌ای به دست نمی‌آورم.	۰.۸۱۲	
	۴- امکان دارد که درآمد من باتوجه به شرایط موجود در روستا افزایش یابد.	۰.۷۹۶	
	۵- خشک‌سالی‌ها درآمد کشاورزی را در مهر و موم‌های اخیر کاهش داده است.	۰.۸۶۹	

روش نمونه‌گیری تحقیق روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. به دلیل فراوانی تعداد ۲۲ روستا به‌عنوان جامعه آماری، امکان و توان بررسی همه روستاییان وجود نداشت. بنابراین، ابتدا دو دهستان مورموری و آب انار بر اساس تعداد خانوار به ۴ خوشه تقسیم شد و در مرحله بعدی از هر خوشه به‌صورت تصادفی یک روستا به‌عنوان نمونه انتخاب شد. در مرحله آخر برای اینکه ۳۴۱ نفر از روستاییان انتخاب شوند، بین جمعیت روستاهای انتخاب‌شده با حجم نمونه تناسب گرفته شد که نتایج در جدول شماره ۳ نشان داده می‌شود.

جدول ۳. تعداد پرسشنامه توزیعی بر اساس تعداد جمعیت روستاها

روستاها	آب انار	هلیوم	لرغه	آب‌طاف سفلی	جمع
تعداد جمعیت روستایی	۱۳۰۹	۲۹۳	۱۸۳	۹۷	۱۸۸۲
تعداد پرسشنامه توزیعی	۲۳۷	۵۳	۳۳	۱۸	۳۴۱

یافته‌های تحقیق

باتوجه به بررسی حاصل از گروه‌های سنی پاسخگویان روستایی بخش کلات، ۹/۱ درصد افراد نمونه در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال بوده که در واقع کمترین تعداد را شامل شده و ۳۲/۶ درصد افراد در گروه سنی ۴۰ تا ۴۵ سال بیشترین تعداد افراد را تشکیل داده است. میانگین سنی پاسخگویان هم ۳۳ سال است.

جدول ۴. توزیع پاسخگویان برحسب سن

گروه سنی	۱۵-۱۹	۲۰-۲۴	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹	۴۰-۴۵	کل
فراوانی	۳۱	۵۵	۳۲	۴۰	۷۲	۱۱۱	۳۴۱
درصد	۹/۱	۱۶/۱	۹/۴	۱۱/۷	۲۱/۱	۳۲/۶	۱۰۰٪

توزیع سطح تحصیلات پاسخگویان روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان دارای تحصیلات در سطح ابتدایی بوده و کمترین تعداد هم در سطح فوق‌لیسانس است.

جدول ۵. توزیع پاسخگویان برحسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	بی‌سواد	ابتدایی	راهنمایی و دبیرستان	دیپلم	لیسانس	فوق‌لیسانس	جمع
فراوانی	۳۷	۱۱۱	۷۰	۸۲	۳۸	۳	۳۴۱
درصد	۱۰/۹	۳۲/۶	۲۰/۵	۲۴/۰	۱۱/۱	۰/۹	۱۰۰٪

۶۸ درصد (۲۳۳ نفر) پاسخگویان را مردان و بقیه (۱۰۸ نفر) را زنان تشکیل می‌دهند. با بررسی وضعیت شغلی اعضای نمونه مشخص شد که ۱۸۷ نفر (۵۴/۵ درصد) شاغل و تعداد ۱۵۴ نفر (۴۵/۵ درصد) خانه‌دار و بیکار هستند. همان‌طور که ارقام جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، از بین ۱۸۷ نفری که خود را شاغل معرفی کرده‌اند، ۱۷/۹ درصد کشاورز، ۱۵/۸ درصد دام‌دار، ۳/۲ درصد کارمند، ۸/۲ درصد شغل آزاد و ۹/۷ درصد افراد مشاغل مختلفی را اعلام کرده‌اند که به صورت سایر معرفی شده است.

جدول ۶. توزیع پاسخگویان برحسب نوع شغل

نوع شغل	کشاورز	دامدار	کارمند	آزاد	خانه‌دار	بیکار	سایر	کل
فراوانی	۶۱	۵۴	۱۱	۲۸	۵۶	۹۸	۳۳	۳۴۱
درصد	۱۷/۹	۱۵/۸	۳/۲	۸/۲	۱۶/۴	۲۸/۷	۹/۷	۱۰۰٪

متغیرها: (میزان قصد مهاجرت، میزان همبستگی اجتماعی، میزان احساس تعلق مکانی، میزان احساس امنیت و عوامل زیست‌محیطی)

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۱۷۴ نفر (۵۱٪) از پاسخگویان میزان قصد پایینی برای مهاجرت از روستا دارند، در مقابل ۱۳۲ نفر یعنی بیش از ۳۸ درصد افراد قصد بالایی برای این امر دارند. حدود ۷۲٪ از

پاسخگویان از همبستگی اجتماعی بالایی برخوردارند، در مقابل تنها ۵٪ افراد همبستگی اجتماعی پایینی نسبت به دیگران دارند. ۳۷٪ از پاسخگویان از احساس تعلق به مکان پائینی برخوردارند، در مقابل نزدیک به ۶۰٪ افراد احساس تعلق بالایی به محل سکونت خویش دارند. همچنین، یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که ۴۱/۶٪ پاسخگویان از احساس امنیت پایین و ۴۰/۸٪ از احساس امنیت بالایی در محل زندگی خویش برخوردارند. در کنار نتایج این شاخص‌ها، یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۰/۵٪ پاسخگویان (۱۳۸ نفر) از درآمد خویش رضایت پایینی دارند، ۲۹٪ (۹۹ نفر) رضایشان متوسط بوده و ۳۰/۵٪ (۱۰۴ نفر) از درآمد خویش رضایت بالایی دارند.

جدول ۷. توزیع پاسخگویان برحسب متغیرهای میزان قصد مهاجرت، همبستگی اجتماعی، احساس تعلق مکانی و

احساس امنیت

قصد مهاجرت	تعداد	درصد	همبستگی اجتماعی	تعداد	درصد	تعلق به مکان	تعداد	درصد	احساس امنیت	تعداد	درصد
پایین	۱۷۴	۵۱/۰	پایین	۱۷	۵/۰	پایین	۱۲۶	۳۷/۰	پایین	۱۴۲	۴۱/۶
متوسط	۳۵	۱۰/۳	متوسط	۷۷	۲۲/۶	متوسط	۱۱	۳/۲	متوسط	۶۰	۱۷/۶
بالا	۱۳۲	۳۸/۷	بالا	۲۴۷	۷۲/۴	بالا	۲۰۴	۵۹/۸	بالا	۱۳۹	۴۰/۸
جمع	۳۴۱	۱۰۰/۰	جمع	۳۴۱	۱۰۰/۰	جمع	۳۴۱	۱۰۰/۰	جمع	۳۴۱	۱۰۰/۰

جدول شماره (۸) بر اساس عوامل زیست‌محیطی اثرگذار بر تصمیم‌گیری افراد برای مهاجرت از روستاهای مورد مطالعه است. تمامی گویه‌های مورد بررسی، شرایط غیرمطلوب و بحرانی را از لحاظ زیست‌محیطی در روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. به طوری که اکثر روستائیان معتقدند روستاهایشان با بحران کم‌آبی و خشک‌سالی مواجه بوده و وجود ریزگردها و زلزله‌خیز بودن روستا از دیگر مشکلات متعدد روستاهای مورد بررسی است.

جدول ۸. توزیع پاسخگویان بر اساس گویه‌های عوامل زیست‌محیطی

گویه‌ها:	خیلی کم	کم	تأخیری	زیاد	خیلی زیاد	جمع
کم‌آبی	۵	۸	۱۲	۸۴	۲۳۲	۳۴۱
	درصد	۱/۵	۲/۳	۵/۳	۲۴/۶	۶۸/۰
خشک‌سالی	۲	۱	۳۱	۱۲۲	۱۸۵	۳۴۱
	درصد	۰/۶	۰/۳	۹/۱	۳۵/۸	۵۴/۳
وجود پدیده ریزگرد	۲	۶	۶۱	۱۱۳	۱۵۹	۳۴۱
	درصد	۰/۶	۱/۸	۱۷/۹	۳۳/۱	۴۶/۶
زلزله‌خیز بودن	۱۰	۱۸	۸۱	۱۰۹	۱۲۳	۳۴۱
	درصد	۲/۹	۵/۳	۲۳/۸	۳۲/۰	۳۶/۱
عدم حاصلخیزی خاک	۶۲	۶۷	۵۴	۷۰	۸۸	۳۴۱
	درصد	۱۸/۲	۱۹/۶	۱۵/۸	۲۰/۵	۲۵/۸

قصد مهاجرت

نتایج بررسی های آماری بین محل سکونت پاسخگویان و قصد مهاجرت حاکی از آن است که میانگین نمره قصد مهاجرت پاسخگویان ساکن روستای آب انار برابر با ۱۳/۴۶، پاسخگویان ساکن هلیوم ۱۶/۶۲، پاسخگویان ساکن لرغه ۱۳ و پاسخگویان ساکن آبطف سفلی برابر با ۲۱/۳۳ است. با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه^۱ تفاوت قصد مهاجرت برحسب محل سکونت افراد معنادار شد، به طوری که مقدار آزمون F برابر با ۱۳/۷۵ و سطح معناداری در سطح یک هزارم (۰/۰۰۱) قابل قبول است. با به کارگیری آزمون شفه به عنوان آزمون تعقیبی تحلیل واریانس یک طرفه، تفاوت میانگین میزان قصد مهاجرت روستای آب انار با هلیوم و ابطف سفلی و نیز لرغه با هلیوم و ابطف سفلی معنی دار شد. ملاحظه می شود روستاهایی که رشد جمعیتشان مثبت بوده است، میانگین قصد مهاجرت در آن روستاها پایین تر از روستاهایی است که رشد جمعیت منفی دارند. این امر خود موجب تشدید چرخه فقر جمعیتی در روستاهای مورد مطالعه است.

جدول ۹. وضعیت قصد مهاجرت برحسب محل سکونت

محل سکونت	تعداد	میانگین نمره قصد	انحراف معیار	آزمون
آب انار	۲۳۷	۱۳/۴۶	۶/۲	F = ۱۳/۷۵
هلیوم	۵۳	۱۶/۶۲	۴/۶	
لرغه	۳۳	۱۳	۵/۹	سطح معناداری: ۰/۰۰۰
ابطف سفلی	۱۸	۲۱/۳۳	۱/۶	

نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می دهد با ۹۹/۹ درصد اطمینان و سطح معناداری کمتر از یک هزارم، رابطه معناداری بین دو متغیر همبستگی اجتماعی با قصد مهاجرت وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون در این مورد برابر با ۰/۵۹۵- است که نشان از رابطه ای معکوس و بالا است. می توان نتیجه گرفت با کاهش میزان همبستگی اجتماعی، میزان قصد مهاجرت افزایش می یابد و با افزایش همبستگی اجتماعی از قصد مهاجرت در بین پاسخگویان کاسته خواهد شد.

با ۹۹/۹ درصد اطمینان و سطح معناداری کمتر از یک هزارم، رابطه معناداری بین دو متغیر احساس تعلق به مکان با قصد مهاجرت وجود دارد. مقدار همبستگی پیرسون برابر با ۰/۹۰۶- است که نشان از رابطه ای منفی و بسیار قوی دارد. به طوری که با کاهش احساس تعلق به محل سکونت خویش قصد مهاجرت افزایش می یابد و برعکس.

بین دو متغیر احساس امنیت با قصد مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۶۶۵- بوده که نشان از رابطه ای منفی و نسبتاً قوی دارد. به طوری که با

کاهش احساس امنیت در فرد، قصد مهاجرت وی از روستا افزایش می‌یابد و با افزایش احساس امنیت در افراد، از قصد مهاجرت در بین آنان کاسته خواهد شد.

با ۹۹/۹ درصد اطمینان و سطح معناداری کمتر از یک‌هزارم رابطه معناداری بین دو متغیر میزان رضایت از درآمد با میزان قصد مهاجرت وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون در این مورد برابر با ۰/۸۱۵- است که نشان از رابطه‌ای معکوس و منفی قوی است. باین حال، می‌توان نتیجه گرفت با کاهش رضایت از درآمد قصد مهاجرت افزایش می‌یابد. پس میزان رضایت از درآمد در بین روستاییان بر قصد مهاجرت آن‌ها اثرگذار است.

جدول ۱۰. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین همبستگی اجتماعی با قصد مهاجرت

متغیرها:	ضریب همبستگی پیرسون	مقدار معناداری
همبستگی اجتماعی	-۰/۵۹۵	۰/۰۰۰
احساس تعلق به مکان	-۰/۹۰۶	۰/۰۰۰
احساس امنیت	-۰/۶۶۵	۰/۰۰۰
رضایت از درآمد	-۰/۸۱۵	۰/۰۰۰

میان دو متغیر وضع شغلی با قصد مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد. مقدار کای اسکوتر ۸۳/۲۵ است که در سطح کمتر از یک‌هزارم معنادار است. مقدار ضریب وی کرامر که برای پیوستگی مورد استفاده قرار گرفت ۰/۴۹۴ است که در سطح معناداری کمتر از یک‌هزارم معنادار است. مقادیر عددی نشان می‌دهد ۱۰/۷ درصد شاغلین و ۴۶/۱ درصد بیکاران از میزان قصد مهاجرت بالایی برخوردارند. در مقابل، ۲۷/۵ درصد شاغلین و ۱۰/۴ درصد بیکاران روستایی قصد مهاجرت بسیار پایینی دارند. بنابراین مشاهده می‌شود افراد بیکار بیش از پاسخگویان شاغل قصد دارند که از روستا مهاجرت کنند.

جدول ۱۱. وضعیت قصد مهاجرت روستاییان بر حسب وضع شغلی

قصد مهاجرت						وضع شغلی	
جمع	بسیار بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین		
۱۰۰	۱۰/۷	۶/۴	۱۲/۳	۴۴/۹	۲۷/۵		شاغل
۱۰۰	۴۶/۱	۱۸/۸	۷/۸	۱۶/۹	۱۰/۴		بیکار
سطح معناداری: ۰/۰۰۰			مقدار کای اسکوتر: ۸۳/۲۵				
سطح معناداری: ۰/۰۰۰			مقدار وی کرامر: ۰/۴۹۴				

یافته‌ها نشان می‌دهد ۶۴/۶ درصد افراد بی‌زمین و ۲۲/۸ درصد افرادی که زمین اجاره‌ای در اختیار دارند، قصد مهاجرت بسیار بالایی دارند. در مقابل ۲/۹ درصد افرادی که مالک زمین بوده‌اند از قصد بسیار بالایی برای مهاجرت برخوردارند. همچنین ۰/۹ درصد پاسخگویان بی‌زمین، ۱۹/۳ درصد

افرادی که زمین اجاره‌ای در اختیار دارند و $30/4$ درصد افراد مالک زمین، قصد مهاجرت بسیار پایینی دارند. پس مشاهده می‌شود افراد بی‌زمین بیشتر از افراد صاحب زمین و کسانی که زمین اجاره‌ای در اختیارشان است، قصد مهاجرت از روستا دارند. در تحلیل وضعیت جمعیتی روستاها، بهتر است به وضعیت خوش‌نشینی و حق نسق روستاییان توجه ویژه‌ای شود.

جدول ۱۲. وضعیت قصد مهاجرت روستاییان برحسب وضعیت مالکیت زمین کشاورزی

قصد مهاجرت							وضعیت مالکیت زمین کشاورزی
جمع	بسیار بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	مالک زمین	
۱۰۰/۰	۲/۹	۳/۵	۱۲/۳	۵۰/۹	۳۰/۴	اجاره‌ای	
۱۰۰/۰	۲۲/۸	۱۷/۵	۷/۰	۳۳/۳	۱۹/۳	بی زمین	
۱۰۰/۰	۶۴/۶	۲۲/۱	۸/۸	۳/۵	۰/۹		
سطح معناداری: ۰/۰۰۰				مقدار کای اسکوتر: ۱۹۹/۱۰۲			
سطح معناداری: ۰/۰۰۰				مقدار وی کرامر: ۰/۵۴۰			

باتوجه به اینکه ریسک‌های زیست‌محیطی، کم‌آبی، خشک‌سالی، پدیده ریزگرد و خطر زلزله را اکثر پاسخگویان در سطح بالایی قلمداد کرده‌اند، این امر موجب شده است تا آزمون‌های آماری بین کم‌آبی، خشک‌سالی، وجود پدیده ریزگرد و وجود خطر زلزله با متغیر وابسته تحقیق معنی‌دار به دست نیاید. اما در خصوص متغیر عدم حاصلخیزی خاک با قصد مهاجرت، آزمون آماری معنادار بودن رابطه را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون اسپیرمن گویای این است که با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای ۰/۰۵ درصد بین عدم حاصلخیزی خاک با قصد مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد. در این رابطه ضریب همبستگی اسپیرمن نشان از رابطه معکوس پایینی دارد؛ به این صورت که با کاهش حاصلخیزی خاک قصد مهاجرت در افراد بالا می‌رود و برعکس.

جدول ۱۳. قصد مهاجرت روستاییان برحسب عوامل زیست‌محیطی

مقدار معناداری	مقدار	آزمون آماری	مواد مورد آزمون
۰/۶۸۲	۰/۰۲۲	اسپیرمن	کم‌آبی / قصد مهاجرت
۰/۳۸۷	۰/۰۴۷	اسپیرمن	خشک‌سالی / قصد مهاجرت
۰/۸۱۱	۰/۰۱۳	اسپیرمن	وجود پدیده ریزگرد / قصد مهاجرت
۰/۷۴۰	۰/۰۱۸	اسپیرمن	خطر زلزله / قصد مهاجرت
۰/۰۳۹	۰/۱۱۲	اسپیرمن	عدم حاصلخیزی خاک / قصد مهاجرت

تحلیل ساختاری متغیرهای اثرگذار بر میزان قصد مهاجرت جوانان روستایی

نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان می‌دهد که متغیرهای واردشده به معادله توانسته‌اند حدود ۸۵ درصد از واریانس تغییرات مربوط به میزان قصد مهاجرت را تبیین کنند. از بین متغیرهای مورد اشاره دو متغیر احساس تعلق به مکان ($Beta: -0/65$) و رضایت از درآمد ($Beta: -0/404$)

بیشترین اثرگذاری را بر متغیر قصد مهاجرت داشته‌اند. باتوجه به مدل تحلیل اکتشافی به دست آمده، علاوه بر متغیر وابسته نهایی (میزان قصد مهاجرت) دو متغیر وابسته میانی (میزان احساس تعلق به مکان و میزان رضایت از درآمد) ملاحظه می‌شود. بنابراین، رگرسیون چند متغیری برای هر یک از این متغیرهای وابسته به طور جداگانه انجام گرفته است. برای پیوند دادن محاسبات مختلف رگرسیون چند متغیری (در رابطه با تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان قصد مهاجرت) و برازش مدل تحلیل پژوهش، از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شده است. جدول‌های ۱۴ و ۱۵ الگوی ساختاری، مسیرهای اثرگذاری، ضرایب استاندارد و تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان قصد مهاجرت روستاییان را نشان می‌دهد.

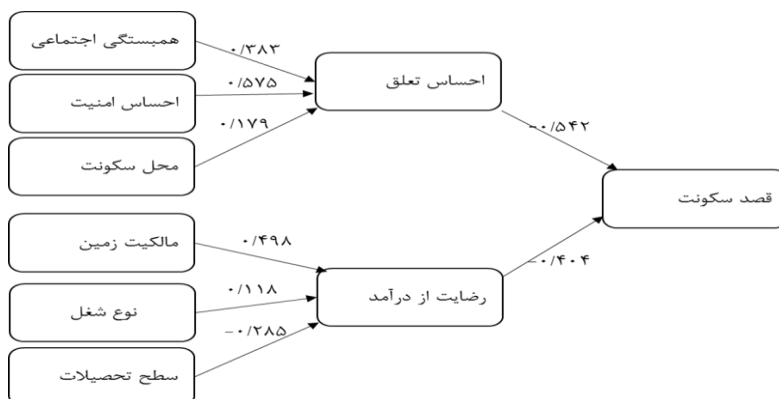
جدول ۱۴. الگوی ساختاری، مسیرها و ضرایب استاندارد آن‌ها

مقدار معنی‌داری	β	مسیر اثرگذاری	متغیرهای اثرگذار
۰/۰۰۰	-۰/۵۴۲	قصد مهاجرت ←	احساس تعلق به مکان
۰/۰۰۰	-۰/۴۰۴	قصد مهاجرت ←	رضایت از درآمد
۰/۰۰۰	۰/۳۸۳	احساس تعلق به مکان ←	همبستگی اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۵۷۵	احساس تعلق به مکان ←	احساس امنیت
۰/۰۰۰	۰/۱۷۹	احساس تعلق به مکان ←	محل سکونت
۰/۰۰۰	۰/۴۹۸	رضایت از درآمد ←	مالکیت زمین
۰/۰۰۳	۰/۱۱۸	رضایت از درآمد ←	نوع شغل
۰/۰۰۰	-۰/۲۸۵	رضایت از درآمد ←	سطح تحصیلات

جدول ۱۵. تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان قصد مهاجرت از روستا

متغیرها	انواع اثر	
	مستقیم	غیرمستقیم
احساس تعلق به مکان	-۰/۵۴۲	-
رضایت از درآمد	-۰/۴۰۴	-
همبستگی اجتماعی	-	-۰/۲۰۷
احساس امنیت	-	-۰/۳۱۱
محل سکونت	-	-۰/۰۹۷
مالکیت زمین	-	-۰/۲۰۱
نوع شغل	-	-۰/۰۴۷
سطح تحصیلات	-	۰/۱۱۵

باتوجه به نتایج جدول‌های ۱۴ و ۱۵، نمودار ترسیمی تحلیل مسیر اکتشافی به صورت ذیل است. ملاحظه می‌شود که دو متغیر احساس تعلق به مکان و میزان رضایت از درآمد به صورت مستقیم میزان قصد مهاجرت را تحت تأثیر قرار داده و به ترتیب بیشترین اثرگذاری را در قصد مهاجرت روستاییان دارند. سایر متغیرها: احساس امنیت، همبستگی اجتماعی، مالکیت زمین، سطح تحصیلات، محل سکونت و نوع شغل به ترتیب بیشترین اثرگذاری غیرمستقیم را بر تغییرات میزان مهاجرت افراد دارند. ملاحظه می‌شود که اثرگذاری مقوله‌های احساس تعلق به مراتب بیشتر از مقوله‌های رضایت از درآمد است.



شکل ۲. مسیرهای تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر قصد مهاجرت روستاییان

در پرسشنامه چند سؤال باز باهدف ارزیابی مهم‌ترین مشکلات روستاییان و عواملی که می‌تواند در جذب یا دفع روستاییان از محل سکونت خود مؤثر باشد، گنجانده شد. در این قسمت به مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج برآمده از این سؤال‌های باز اشاره می‌شود.

نکته مهمی که در روستای لرغه مورد توجه قرار گرفت، بحث احساس امنیت بالای این روستا نسبت به دیگر روستاها است. باوجود نارضایتی روستاییان از محیط این روستا به دلیل توجه کم مسئولان از هر حیث، روستاییان قصد ترک این روستا را نداشتند. پاسخگویان خواستار حمایت دولت در بخش مشاغل دامداری و کشاورزی که شغل بیشتر روستاییان بوده را داشتند. همچنین رفع مشکل لوله‌کشی آب و گاز و انتقال فاضلاب از مسائل مهم مورد توجه این افراد بود. حتی کسانی که تصمیم قطعی برای ترک روستا را داشتند، با اشاره به این نکات بیان داشتند که در صورت توجه به این مسائل شاید امکان صرف نظر از ترک روستا را داشته باشند.

در رابطه با روستای آب‌طاف بر خلاف روستای لرغه، احساس امنیت در این روستا بسیار پایین بود. پاسخگویان دلیل آن را مشکل مراتع می‌دانستند. اینکه دولت با واگذاری مراتع به افراد خاص (در بین این افراد کسانی بودند که حتی شغلی غیر از دامداری داشتند) دامداران را مجبور به تغییر شغل خویش می‌کند. بنابراین روستاییان دامدار به دلیل از دست دادن شغل قصد ترک روستا را دارند و این پایان کار نیست. بلکه همین افراد با ایجاد نامنی برای افرادی که مراتع را در اختیار دارند، آنان را هم مجبور به ترک روستا کرده‌اند. این نکته مهمی است که پاسخگویان بر آن تأکید داشتند.

در مورد روستای آب انار وضع امنیت همانند روستای آب‌طاف است. در این روستا هم مشکل واگذاری مراتع دلیل اصلی امنیت پایین در این روستا است. امنیت پایین در این روستا تا جایی است که بعضی از افراد پاسخگو در همان زمان بعضی از عزیزانشان را به خاطر همین درگیری‌ها از دست داده

بودند. ولی باوجود این، قصد ماندن در روستای خود را داشتند. نکته مهمی که افراد روستایی را به ماندگاری در روستا ملزم کرده بود، وجود وابستگی خویشاوندی در این روستا است. به طوری که به گفته ساکنان، اکثر خانوارها در این روستا با یکدیگر وابستگی نزدیک خویشاوندی دارند و تعداد معدودی از خانوارها با اهالی وابستگی خویشاوندی ندارند. احساس تعلق به مکان بالا در این روستا باعث شده است که تعداد کمتری از افراد قصد ترک روستا را داشته باشند. نکته دیگر در این روستا سطح پایین تحصیلات بود که خود اهالی بر آن تأکید داشتند.

در رابطه با روستای هلیوم چند نکته با اهمیت مشاهده شد. امنیت در این روستا هم مانند روستاهای آب انار و ابطاف پایین بود، اما درگیری‌های قوم و قبیله‌ای به شدت دو روستای دیگر نبود. بسیاری از افراد پاسخگو که قصد ترک این روستا را داشتند، دلایلی مثل نبود فرصت کار و شغل، مشکلات جاده‌ای و مسیر حمل و نقل، مشکل برق و نبود امکانات بهداشتی و درمانی مناسب را به عنوان عواملی که در ترک روستا اثر گذارند، نام بردند. بالا بودن سطح تحصیلات در بین این افراد از دیگر نکات مهم در این روستا بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

چارچوب نظری در این مقاله بر اساس نظریه‌های توسعه، محرومیت نسبی، جاذبه دافعه و همبستگی اجتماعی طراحی شد و نویسندگان بر چندوجهی بودن علل مهاجرت روستاییان بخش کلات شهرستان آبدانان تأکید دارند. در این میان نتایج این بررسی نشان می‌دهد علل قصد مهاجرت، ترکیبی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است.

بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، معنی‌داری رابطه متغیرهای: محل سکونت، وضع شغلی، نوع شغل، مالکیت زمین کشاورزی، همبستگی اجتماعی، احساس تعلق به مکان، احساس امنیت و رضایت از درآمد با قصد مهاجرت مورد تأیید قرار گرفت. این نتایج در مطالعات تولسما و لوبرس (۲۰۱۴) و اته و دیگران (۲۰۱۴) که بر تأثیر هم‌زمان متغیرهای اقتصادی و اجتماعی اذعان دارند، نیز مورد تأیید است. در این میان، احساس تعلق به مکان و میزان رضایت از درآمد مهم‌ترین مقوله‌های اثرگذار بر میزان قصد مهاجرت روستاییان است. اثرگذاری این مقوله‌ها در مطالعات پیشین از جمله مطالعه رستمعلی‌زاده و قاسمی اردهایی (۱۳۹۶) با این نتایج هم‌زبانی دارد. این محققان در مطالعات خود از کلیدواژه «وابستگی مکانی» استفاده کرده و نتایج مطالعاتشان نشان می‌دهد ۷۴٪ از افرادی که میزان وابستگی مکانی آن‌ها در سطح کمتری است، به طور قطع در آینده روستا را ترک خواهند کرد. همچنین مطالعه شمس‌الدینی و گرجیان (۱۳۸۹) در بحث رضایت از درآمد و عوامل اقتصادی مؤید این امر است.

از مهم‌ترین نتایج، تفاوت معنی‌دار میزان قصد مهاجرت در میان چهار روستای موردبررسی است. نکته مهم در این زمینه می‌توان به اثرگذاری نرخ رشد جمعیت روستاها در نگهداشت احتمالی ساکنان آن اشاره کرد. به طوری که روستاهایی که نرخ رشد جمعیتشان مثبت است، میزان قصد مهاجرت در آن‌ها بسیار پایین است. این رابطه در مطالعه قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۵) نیز به وضوح اشاره شده است. در مطالعه محققان مذکور، نرخ رشد جمعیت به عنوان یک متغیر مهم ساختاری تأثیر منفی معنی‌دار در افزایش گرایش به مهاجرت از روستا به شهر دارد.

مطالعات پیشین از جمله شهبازی و قاسمی (۱۳۸۹) و احمدی (۱۳۸۳) همبستگی اجتماعی و پیوندهای قومی و فرهنگی را بر قصد مهاجرت روستاییان متغیری تعیین‌کننده یافته‌اند. جدول شماره ۱۰ مقاله نشان می‌دهد که همبستگی اجتماعی یکی از عوامل بازدارنده مهاجرت است. می‌توان نتیجه گرفت با کاهش میزان همبستگی اجتماعی، میزان قصد مهاجرت افزایش می‌یابد و با افزایش همبستگی اجتماعی از قصد مهاجرت در بین پاسخگویان کاسته خواهد شد. البته همبستگی اجتماعی در ارتباط با سایر متغیرهای تأثیرگذار به ویژه عوامل زیست‌محیطی تأثیر بازدارندگی خواهد داشت که در اینجا نسبت به مطالعات پیشین از جمله احمدی (۱۳۸۳) به نتیجه متفاوتی دست یافته است که همبستگی اجتماعی را به تنهایی علت صرف نظر کردن از مهاجرت نمی‌داند.

کم‌آبی، خشک‌سالی و نیز وجود پدیده ریزگردها از جمله مهم‌ترین عوامل زیست‌محیطی بودند که روستاییان بر مسئله‌مند بودن آن‌ها اتفاق آرا داشتند. در کنار این عوامل زیست‌محیطی، عدم توزیع عادلانه مراتع بین روستاییان که به نزاع‌های طایفه‌ای دامن می‌زند، فقر زیرساخت‌های روستایی از جمله نبود لوله‌کشی آب و گاز، حمل‌ونقل و جاده، بهداشت و تلفن از جمله عواملی هستند که روستاییان به عنوان عوامل زمینه‌ساز در جهت دادن به مهاجرت‌های روستایی قلمداد کرده‌اند. همچنین مالکیت زمین نیز رابطه معناداری با قصد مهاجرت دارد. ۶۴/۶ درصد افراد بی‌زمین و ۲۲/۸ درصد افرادی که زمین اجاره‌ای در اختیار دارند، قصد مهاجرت بسیار بالایی دارند.

ملاحظه می‌شود که در پیش‌بینی در زمینه قصد مهاجرت از روستا، بهتر است بر روی مجموعه‌ای از عوامل جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تمرکز کرد. همچنین بایستی اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم مقوله‌های مذکور را مد نظر قرار داد.

به منظور برنامه‌ریزی لازم در خصوص ماندگاری و یا هدایت افراد ساکن در بخش کلات که قصد سکونت دائم در روستای خود را دارند، موارد ذیل به عنوان پیشنهادهای کاربردی به نهادهای سیاست‌گذار در بخش توسعه روستایی ارائه می‌شود:

- بسترسازی کارهای فرهنگی در راستای بالا بردن احساس تعلق به مکان، همبستگی اجتماعی و احساس امنیت در میان ساکنین روستایی به ویژه در میان قشر نوجوان.

- تلاش در زمینه قطع یا کم‌رنگ کردن برنامه‌های روستایی که تحت تأثیر هژمونی شهری هستند و به نوعی از شیوه و سبک زندگی شهری الگو برداری شده و این نوع شیوه زندگی را تبلیغ می‌کنند.
- اصلاح طرح واگذاری مراتع و تقسیم عادلانه مراتع در بین روستاییان بخش کلات.
- کمک به حل مسئله نزاع و درگیرهای موجود، در راستای بالا بردن احساس امنیت.
- گسترش شبکه لوله‌کشی آب آشامیدنی و گازرسانی.
- ایجاد فرصت اشتغال برای جوانان.
- افزایش خدمات بهداشتی و امکانات رفاهی.
- تخصیص و اعطاء تسهیلات کم‌بهره به مشاغل خانگی.

منابع

- احمدی، وکیل (۱۳۸۳). بررسی گرایش به مهاجرت از روستا به شهر و عوامل مؤثر بر آن، مطالعه موردی شهرستان شیروان چرواول. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷). مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۴). چارچوب روش شناختی برای بررسی احساس امنیت. فصلنامه مطالعات اجتماعی. تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناجا. دوره ۲، شماره ۱.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱). درباره تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله و قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی: مطالعه مناطق روستایی شهرستان اهر. پژوهش‌های روستایی. سال ۴، شماره ۲: ۵۰۵-۵۳۴.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله و قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۹۶). ماندن یا ترک کردن؛ چالش‌های مهاجرتی جوانان روستایی. پژوهش‌های روستایی. سال ۸، شماره ۲: ۲۸۵-۲۹۸.
- شمس‌الدینی، علی، گرجیان، پروین (۱۳۸۹). عوامل مؤثر در مهاجرت روستائیان به شهرها. با تأکید بر شبکه مهاجرت. مجله چشم‌انداز جغرافیایی. سال پنجم، شماره ۱۱، صص ۷۵-۹۲.
- صبوری، محمدصادق و همکاران (۱۳۸۷). تحلیل همبستگی و رگرسیونی ابعاد گرایش دانشجویان رشته کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار به کار در مناطق روستایی. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. سال ۲، شماره ۴، صص: ۱۴۱-۱۵۵.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۱). بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا-شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۲۵: صص ۶۰-۴۱.
- قاسمی‌اردهایی، علی و نوبخت، رضا (۱۳۹۵). علل و تعیین‌کننده‌های جریان‌های مهاجرت معکوس در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. سال ۱۱، شماره ۲۱: ۴۱-۷۰.

- قاسمی اردهایی، علی، رستمی، نیر و شیرینی، محمد (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت به شهر جوانان روستایی شهرستان اهر. *مجله فضای جغرافیایی*. سال ۱۶، شماره ۵۳: ۱۷۳-۱۹۲.
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۶). *برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، مبانی نظری برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*، تهران: مؤسسه آموزش عالی آزاد پارسه.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*، شیراز، انتشارات نوید شیراز.
- محمودیان، حسین و قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۲). *بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران*، تهران: دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل.

- Bhandari, P., (2004). Relative Deprivation and Migration in an Agricultural Setting of Nepal, *Population and Environment*, 25(5): 475-499.
- Cadwallader, M. (1992). *Migration and Residential Mobility: Macro and Micro Approaches*, University of Wisconsin Press, Madison.
- Ette, A., Heß, B., & Sauer, L. (2016). Tackling Germany's Demographic Skills Shortage: Permanent Settlement Intentions of the Recent Wave of Labor Migrants from Non-European Countries", *Journal of International Migration and Integration*, 17(2): 429-448.
- Fan, C. C. (2011). Settlement Intention and Split Households: Findings from a Survey of Migrants in Beijing's Urban Villages, *China Review*: 11-42.
- Fishbin, M., & Aizen, I. (1975). Belief, attitude, intention and behavior: An Introduction to Theory and Research, *Addison-wesley*.
- Jobes, P. (2000). *Moving Nearer to Heaven: The Illusions and Disillusions of Migrants to Scenic Rural Place*, Praeger, Westport, CT.
- Geyer, H. (1996). Expanding the theoretical foundation of differential urbanization, *Social Geography*, 87: 44-59.
- Lewis, A.W. (1954). Economic Development with Unlimited Supply of Labor, *Manchester school Of Economics and Social Studies*, 22 :131-139.
- Mosley, M. (1984). The revival of rural area in advanced economies: A review of some causes and consequences, *Geoforum*, 15: 447-456.
- Stark, O., Bloom, D., (1985). *The New Economics of Lobar Migration American Economic Reviv, Frontiers in Demographic Economics*, 75 (2): 173-178.
- Steiner, Ilka (2019). Settlement or Mobility? Immigrants' Re-migration Decision-Making Process in a High-Income Country Setting, *Journal of International Migration and Integration*, volume 20: 223-245
- Tang shuangshuang & Jianxi Feng (2015). Cohort differences in the urban settlement intentions of rural migrants: A case study in Jiangsu Province, China, *Habitat International*, Volume 49: 357-365.
- Tolsma, J., & Lubbers, M., (2014). *Stay or leave? Intentions to settle and patterns of settlement among recent migrants in The Netherlands*, master social and cultural science, Radboud University Nijmegen.